

■ تأملی تاریخی و حقوقی بر قراردادهای نفتی ایران در عصر قاجار
نادعلی صادقیان

چکیده

کشور ایران در عصر قاجار، به علت ضعف در زمینه‌های مالی، اطلاعاتی و فناوری جهت انجام تحقیقات، اکتشافات و بهره‌برداری از منابع نفتی، چندسالی پس از فوران اولین چاه نفت در جهان، شاهد ورود کارشناسان خارجی، به منظور بهره‌برداری از این منبع سرشار بوده‌است.

واگذاری امتیازهای نفتی، به عنوان مَرهٔ منفی برای شاهان قاجار در تاریخ معاصر ایران، ثبت گردیده‌است. با اعطای امتیازهای نفتی زیان‌هایی به عرصهٔ اقتصادی کشور وارد آمد، و پیامدهای حقوقی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به دنبال داشت و زمینه‌ساز تحکیم و تثبیت نفوذ و اقتدار خارجی‌ها در ایران گردید.

این مقاله، برآن است تا با استفاده از اسناد و منابع موجود، نگاهی تاریخی و حقوقی به قراردادهای نفتی عصر قاجار داشته باشد؛ ابتدا مروری بر انواع قراردادهای نفتی و ماهیت حقوقی امتیاز دارد و به دنبال آن، اشارهٔ کوتاهی به امتیازهای نفتی عصر قاجار خواهد داشت.

کلیدواژه‌ها

نفت / قراردادهای نفتی / امتیازها / قاجار.

تحقیقات تاریخی

فصلنامهٔ گنجینهٔ اسناد: سال بیستم، دفتر سوم، (پائیز ۱۳۸۹)، ۲۱-۶
تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۵/۱۳ ■ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۰/۱۸

تأملی تاریخی و حقوقی بر قراردادهای نفی ایران در عصر قاجار

نادعلی صادقیان^۱

مقدمه

ایرانیان باستان زبانه آتش را در آتشکده‌های خود، به کمک نفت روشن نگه می‌داشتند و از آن، برای درمان برخی بیماری‌ها، برگزاری جشن‌ها و بندکشی درز ساختمان‌ها و کشتی‌ها بهره می‌بردند (مزیدی، ۱۳۷۴، ص ۷). اما در اواخر قرن نوزدهم بود که نفت، به عنوان ماده‌ای گرانبها برای کاربرد در صنعت شناخته شد و در پی آن، پای انگلستان و روسیه به ایران باز شد و ناآگاهی دولتمردان وقت، باعث دادن امتیازهایی به این کشورها گردید.

در مورد نقش نفت در اقتصاد کشور، دو دیدگاه متفاوت وجود دارد. گروهی، نفت را "طلای سیاه و به عنوان محرک رشد و توسعه" می‌دانند و این ثروت خدادادی را، به عنوان منبع درآمد، مزیت فوق العاده در ترقی و تحول اقتصادی و عامل سرعت بخشیدن به گردش چرخ‌های اقتصاد می‌شمارند و بر نقش محوری آن در پیشبرد برنامه‌های توسعه و سازندگی کشور، تأکید دارند (ذوقی، ۱۳۷۰، ص ۲۶؛ شیخ نوری، ۱۳۶۹، ص ۶۵). برخی دیگر، این ماده را "بلائی سیاه" می‌خوانند و سرمایه‌گذاری در این بخش را، به منزله زیان به پیکره کشور قلمداد می‌کنند. مطالعه قراردادهای نفتی عصر قاجار، تقریباً مؤید نظر دوم می‌باشد. در همین راستا، گروهی از کارشناسان بر این باورند که نفت، یکی از علل اصلی توسعه نیافتگی کشور و پوششی بر ضعف‌ها و ناکارآمدی‌های اقتصادی و مسبب اصلی کاهش فرهنگ نظم، تلاشگری و قناعت در ابعاد گوناگون است^۲ و برخی ناامنی‌های اقتصادی و اجتماعی، به گونه‌ای ناشی از اتصال به این منبع خدادادی می‌باشد. (نصری، ۱۳۸۰، صص ۱۶۱-۱۶۲)

اگرچه اوضاع ایران بدون نفت را نمی‌توان با قطع و یقین ترسیم کرد، اما نباید از

۱. کارشناس ارشد حقوق عمومی،

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران
vakechalsadeghian@yahoo.com

۲. نفتی که با کارکردهای مقامات عصر قاجار، به عاملی منفی در اقتصاد ایران تبدیل شده بود، با مدیریتی صحیح و خردمندانه می‌توانست موتور توسعه ملی کشور شود. اما آنچه مانع تحقق این مهم شد، مدیریت اشتباه حاکم بر درآمدهای نفتی و گروه‌های منعقدکننده قرارداد و ناآگاهی و تجربیات ناکافی آنان بود
from <http://m-behzadi.persian-blog.ir/post/10>



آثار منفی نفت در حوزه‌های گوناگون غافل بود. نفت، یکی از عوامل کسب قدرت و تأثیرگذاری بر اراده سیاسی کشورهای فاقد انرژی، و عامل اصلی بروز جنگ‌ها در یک قرن اخیر بوده است. بانگاهی به قراردادهای نفتی عصر قاجار، مشخص می‌گردد که این گونه قراردادهای جز نفوذ سیاسی خارجی‌ها، توزیع ناعادلانه ثروت، تنزل درآمد سرانه و بالأخره، گسترش فساد مالی در نهادهای دولتی و شبه‌دولتی چیزی عاید مردم و اقتصاد کشور نشد و آشفتگی اوضاع سیاسی کشور را نیز باید از جمله عوارض آشکار این نابسامانی‌ها شمرد. به طوری که نفت، موجب شد یکی از نهضت‌های اجتماعی معاصر ایران - که با هدف حاکمیت مردم بر منابع انرژی شکل گرفته بود - ساقط شود و به کمک حامیان کودتا در مجلس هیجدهم قرارداد کنسرسیوم موسوم به "قرارداد فروش نفت و گاز" به تصویب برسد و تقریباً همان وضعیت پیش از ملی شدن نفت به اجرا گذاشته شود (نصری، ۱۳۸۰، صص ۹۷-۹۸) و استقلال و سرنوشت کشور نیز، همراه با آن مسیر دیگری بیاید.

چارچوب تاریخی و حقوقی قراردادهای نفتی عصر قاجار، گویای شرایط و محدودیت‌هایی است که حاکم بر تصمیم‌گیری سیاسی دولتمردان در آن دوره‌ها بوده است. برای نمونه، قرارداد داری در زمانی امضا شد که دولت ایران نه قدرت داشت و نه آگاهی. در فاصله میان قرارداد داری و تجدید نظر در قرارداد، کشور ایران، انقلاب مشروطه، تدوین قانون اساسی، تأسیس مجلس، کودتای ۱۲۹۹ و انتقال سلطنت را از سلسله قاجار به سلسله پهلوی پشت سر گذاشت. در این فاصله، دولت‌های وقت کوشیدند تا از راه‌های گوناگون، شرایط حقوقی و سیاسی حاکم بر قرارداد را تغییر دهند. اما این کوشش‌ها تقریباً همه جا به سبب قدرت و دخالت دولت‌های انگلیس و روس، با شکست روبه‌رو می‌شد.

بهره‌گیری از نفت در ایران تا سال ۱۲۸۷ ش. محدود بود و جنبه غیربازرگانی داشت. با اکتشاف نفت در مسجد سلیمان، صنعت نفت ایران پایه‌گذاری گردید (سعادت، ۱۳۴۶، صص ۴۰۴) و نیاز روزافزون دنیای صنعتی به نفت در مقام بزرگ‌ترین و مهم‌ترین منبع تأمین انرژی، مسیر اجتماعی و اقتصادی کشور را به کلی تغییر داد. باروانه شدن نفت و فرآورده‌های آن به بازارهای جهانی، ساختار و کارکرد تمامی نهادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حتا فرهنگی کشور، به شدت تحت تأثیر قرار گرفت. به طوری که ماهیت و هویت این نهادها را وابسته به خود کرد و اگر نفت نمی‌بود، تمامی مناسبات و معادلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران، دستخوش تغییرات و تحولات اساسی می‌گردید.

انواع قراردادهای نفتی

قراردادهای نفتی در جریان تحولات تاریخ معاصر ایران و در مسیر اقتصادی کشور در

قرن اخیر، از جمله مسائل راهبردی در تحلیل‌های اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و سیاسی ایران محسوب می‌شود. قراردادهای نفتی در ایران ابتدا به شکل امتیاز ظاهر گردید. آن‌گاه به مرور از قالب امتیاز خارج شد و تحت عنوان قراردادهای نفتی مطرح گردید. (شهبان، ۱۳۷۵، ص ۳)

به طور کلی، قراردادهای نفتی به چهار نوع مشارکتی، خدماتی، کنسرسیوم و امتیازی تقسیم می‌شوند.^۱ کارشناسان حقوقی، قراردادهای نفتی را عبارت از اکتشاف، استخراج و فروش نفت می‌دانند. (انصاری، ۱۳۸۰، ص ۸۲)

قراردادهای کنسرسیوم - که براساس تنصیف عواید پی‌ریزی شده بود (شهبان، ۱۳۷۵، ص ۳) - در طول دهه ۱۳۳۰ ش. در ایران رواج یافت و پس از آن، برخی از کشورهای نفتی از این نوع قرارداد استفاده کردند.^۲ شایان گفتن است که قراردادها به طور کلی سیر تکاملی داشته و در وضع و تصویب آن‌ها شرایط زمانی و مکانی و سایر موقعیت‌های سیاسی دخالت داشته‌است (مقامی اصل، ۱۳۵۱، ص ۵).

قراردادهای مشارکت، به قراردادهای مشارکت در تولید، قراردادهای مشارکت در سود و قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری تقسیم می‌شوند. براساس قرارداد مشارکت، نفت و گاز تولید شده، میان دولت و شرکت سرمایه‌گذار تقسیم می‌شود. حقوق مالکانه، متعلق به دولت است؛ اما به واسطه مشارکت، دولت میزبان به طور معمول از طریق شرکت ملی نفت در زمینه مدیریت عملیات با شرکت سرمایه‌گذار مرتبط است. در این قرارداد، شرکت خارجی، مقید به پرداخت پنجاه و پنج درصد منافع خود به عنوان مالیات می‌باشد (موحد، ۱۳۵۷، ص ۱۴۱) و در برخی موارد، پرداخت بهره مالکانه نیز تصریح شده‌است.

قراردادهای خدماتی، یکی از قدیمی‌ترین شکل‌های روابط قراردادی شناخته شده میان افراد و جوامع به شمار می‌آید. قراردادهای خدماتی، به سه گروه (صرفاً خدماتی، خدماتی توأم با خطرپذیری و خدماتی بیع متقابل) تقسیم‌بندی می‌شود. به موجب این نوع قرارداد، پس از کشف و بهره‌برداری از اولین میدان نفتی، از میدان‌های دیگر پنجاه درصد تفکیک و به عنوان "ذخیره ملی" در اختیار شرکت ملی نفت ایران گذارده می‌شود (موحد، ۱۳۵۷، ص ۱۴۳). در این نوع قرارداد، تولید در اختیار کشور میزبان قرار خواهد گرفت و شرکت عامل، طبق شرایط قرارداد از مبلغی مقطوع به عنوان بازپرداخت سرمایه همراه با میزان بهره و احتمال ضرر و زیان، بهره‌مند خواهد شد. قراردادهای خرید خدمات همراه با مخاطره، در قیاس با انواع دیگر قراردادها، کاربرد کم‌تری دارد و تنها زمانی که خطر در میان باشد، به آن توجه می‌شود و باید مخاطره، مربوط به کشف میدان‌های نفت و گاز باشد. اگر کشفی صورت نگیرد، قرارداد به خودی خود لغو خواهد شد. اما اگر

۱. بنگرید به: مزیدی، ۱۳۷۳، صص ۱۳-۱۷.

۲. برخی، قراردادهای کنسرسیوم را از نوع قراردادهای مشارکتی می‌دانند. برای اطلاعات بیشتر، بنگرید به: موحد، ۱۳۵۵، صص ۱۴۰-۱۴۳.

نفت یا گاز کشف شود، شرکت ملزم است آن را به مرحله تولید برساند. در سال‌های اخیر، بیع متقابل در بخش نفت، گاز و پتروشیمی، برای توسعه میدان‌ها و افزایش تولیدات آن استفاده شده است. (رستم‌زاده گنجی، ۱۳۸۵، ص ۷)

قراردادهای امتیازی، از قدیمی‌ترین و ابتدائی‌ترین قراردادهای نفتی به شمار می‌روند. در این نوع قرارداد، شرکت عامل، تمام هزینه‌ها را متقبل می‌شود و تعهدی در زمینه عرضه محصول در داخل ندارد و مالکیت تجهیزات از آن شرکت خارجی می‌باشد. سهم دولت از این قرارداد، معمولاً دو چیز است: یکی حق الارض یا بهره مالکانه و دیگر، مالیات. (ایرانپور، ۱۳۸۷، ص ۲۷)

قراردادهای منعقدشده در صنعت نفت و گاز ایران در عصر قاجار، از نوع امتیازی بوده‌است که مهم‌ترین آن، قرارداد داری بود. در سال ۱۹۰۱ م. "ویلیام ناکس داری" در امتیازی که از دولت ایران گرفت - حق انحصاری اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری از نفت، گاز طبیعی، قیر و موم طبیعی و ساخت انحصاری خط لوله را در تمام کشور بجز پنج استان شمالی، به خود منتقل کرد.

هیچیک از قراردادهای، به خودی خود خوب یا بد نیست. نوع قرارداد، تنها چارچوب و ظرفی برای تقسیم منافع ناشی از همکاری است. از این نظر، این که چه نوع قراردادی در چه شرایطی بتواند منافع طرفین قرارداد را تأمین کند و ظرف قرارداد با چه مظروفی پر شود، به عوامل متعدد بستگی دارد. شرکت‌های نفتی و کشورهای میزبان با توجه به شرایط متفاوت، به انواع گوناگون قرارداد علاقه نشان می‌دهند؛ اما این گرایش عمومی، به این معنا نیست که نوع انتخاب شده، بهترین نوع قرارداد است و می‌تواند منافع طرفین را تضمین کند.

ماهیت حقوقی امتیاز

از آغاز پیدایش صنعت نفت در خاورمیانه - که با امتیازنامه داری در ایران شروع گردید - تا سال ۱۹۵۰ که اصل تصنیف منافع، مرسوم شد، به طور کلی قراردادهای نفتی را امتیاز یا امتیازنامه می‌گفتند و می‌نوشتند. اولین بار در قرارداد رویترا، این واژه در معنی اصطلاحی آن به کار رفت (موحد، ۱۳۵۷، ص ۲۷۲). این عنوان، به دلیل امتیازهای انحصاری، اختیارات مطلق و سود افسانه‌ای که قراردادهای نفتی برای شرکت‌ها داشتند، اصطلاح مناسبی بود. بعدها که دولت‌ها و ملت‌های صاحب نفت پی به اهمیت این ماده حیاتی بردند و به تدریج سهم بیش‌تری از منافع و دخالت بیش‌تر در عملیات را خواستار شدند، شرکت‌های نفتی استفاده از واژه امتیاز را مناسب ندیدند. چراکه امتیاز، حکایت از بخشش یکجانبه حاکمان

۱. ویلیام ناکس داری از سرمایه‌داران انگلیسی-استرالیایی بود. برای اطلاعات بیش‌تر، بنگرید به: مطیعی، ۱۳۸۳، ص ۱۶.



کشورها داشت و معرف قرارداد نبود. (فرهنگی، ۱۳۴۷، صص ۱-۳)

اعطای امتیازی، از قدیمی‌ترین و ابتدائی‌ترین شیوه‌های تنظیم روابط حقوقی و قراردادهای نفتی کشور دارنده نفت با شرکت‌های نفتی خارجی به شمار می‌رود. در قراردادهای امتیازی، دولت - که مالک مخزن و یا میدانی مشخص است - آن را به شرکتی واگذار می‌کند و شرکت یادشده، سرمایه‌گذاری در عملیات اکتشاف، توسعه، بهره‌برداری و بازاریابی محصول آن میدان را بر عهده می‌گیرد. در این نوع قرارداد، شرکت سرمایه‌گذار، کلیه هزینه‌های مربوط را می‌پذیرد و بهره مالکانه و مالیات نیز به مالک مخزن تعلق می‌گیرد. این نوع قرارداد، اگر با موفقیت در اکتشاف نفت و گاز همراه نشود، به طور معمول ۵-۶ سال اعتبار دارد؛ اما در صورت کشف میدان نفتی و گازی، معادل عمر میدان (حدود ۲۵ تا ۴۰ سال) دوام خواهد داشت (رستم‌زاده گنجی، ۱۳۸۵، ص ۷). این نوع قرارداد، به شکل‌های دیگری مانند اعطای اجازه بهره‌برداری، اعطای پروانه بهره‌برداری و اجاره نیز، به کار می‌رود و به دلیل سهم‌بندی منافع در قیاس با گذشته، تغییرات عمده‌ای کرده‌است. در گذشته، اعطای امتیاز دولت‌ها به مدت طولانی (پنجاه تا یکصد سال) صورت می‌گرفت و به منظور تفحص و استخراج، منطقه وسیعی با منافع ویژه به گیرنده امتیاز - که نظارت کامل بر توسعه و تولید نفت داشت - واگذار می‌شد (آریان کیا، ۱۳۸۸، صص ۲۰۰-۲۰۱). حال آن‌که در قراردادهای امتیازی امروز، منطقه امتیازی و مدت زمانش محدود است و دارنده امتیاز، ملزم به استرداد تدریجی حوزه‌های نفتی است و از نظر منافع، میان امتیاز دهنده و امتیاز گیرنده، انعطاف‌پذیری بیشتری وجود دارد؛ به طوری که در صورت افزایش قیمت نفت، سازوکارهایی برای افزایش منافع میزبان پیش‌بینی شده است و زمینه نظارت بیشتر برای دولت مهیا می‌باشد (منصوری نراقی، ۱۳۵۰، ص ۱۱). در برخی از قراردادهای امتیازی، صاحب امتیاز هزینه‌ها را بیش از درآمدها گزارش می‌نماید و با حساب‌سازی و ارائه گزارش‌های غیر واقعی، حتا از پرداخت سهم واقعی کشور میزبان براساس قرارداد نیز خودداری می‌کند. این واقعیت، چه در مورد قراردادهای سنتی عصر قاجار و چه در مورد قراردادهای کنونی، صادق است.

امتیازهای نفتی عصر قاجار

۱. امتیاز رویتر^۱

نخستین بار در سال ۱۸۵۵ م، زمین‌شناسی انگلیسی، به منظور کشف نفت در ایران، شروع به فعالیت کرد (تفرشی، ۱۳۶۵، ص ۳۸) و اولین امتیاز نفتی، قرارداد رویتر بود که در سال ۱۸۷۲ م. در زمان صدارت میرزا حسین خان سپهسالار، در ۲۴ ماده با بارون جولوس دو رویتر^۲، امضا

۱. در سال ۱۸۷۲، یکی از اتباع انگلیس به نام بارون جولوس دورویتر امتیازنامه‌ای از ناصرالدین‌شاه گرفت که در آن، افزون بر بسیاری امتیازهای دیگر، این حق نیز داده شده بود که از کلیه منابع طبیعی موجود در ایران بجز طان نقره و دیگر سنگ‌های قیمتی، بهره‌برداری کند و در ازای آن، مبلغ ناچیزی به شاه بپردازد. بنگرید به: فاتح، ۱۳۸۴، ص ۲۴۶.

2. Baron Julius de Reuter



شد. قراردادی که به خیال سپهسالار، آبادانی و نوگرایی برای کشور به ارمغان می‌آورد و می‌توانست خزانه خالی ناصرالدین شاه را کمی پر نماید. (فاتح، ۱۳۸۴، ص ۲۴۶)

رویتر، امتیازنامه‌ای از ناصرالدین شاه گرفت که در آن (اضافه بر بسیاری امتیازهای دیگر)، به وی این حق نیز داده شد تا از کلیه منابع طبیعی موجود در ایران (بجز طلا، نقره و دیگر سنگ‌های قیمتی)، بهره‌برداری نماید. به موجب این قرارداد ۷۰ ساله، رویتر قرار بود در ایران به تأسیس بانک، جاده‌کشی، احداث راه‌آهن سراسری و تأسیس کارخانه‌های صنعتی پردازد (فاتح، ۱۳۸۴، ص ۲۴۶) و در مقابل، طبق ماده ۱۱ حق استفاده از نفت، زغال سنگ، مس، آهن و سرب و نیز، استفاده از هر نوع منابع (بجز طلا، نقره و سنگ‌های قیمتی) و تمامی اراضی جنگلی و آب‌ها را داشت. هر چند رویتر در ازای این‌ها ۱۵ درصد سود خالص هر معدنی را - که مورد بهره‌برداری قرار می‌داد - می‌بایست پرداخت می‌کرد (ذوقی، ۱۳۷۰، صص ۴۱-۴۲). اما تمام آن‌ها هرگز جایگزین منابعی نمی‌شد که می‌توانست به مدت ۷۰ سال از آن‌ها استفاده کند. این امتیاز، به قدری همگان را دچار حیرت کرد که لرد کرزن^۱ درباره‌اش چنین گفته بود:

"واگذاری کلیه منابع صنعتی کشور به دست یک نفر خارجی، حقیقتاً عجیب و غریب به نظر می‌رسد و حرارت انگلیسی‌دوستی در تهران، در هیچ تاریخی به این اندازه بالا نرفته بود." (لسانی، ۱۳۵۷، ص ۱۷) اما این قرارداد، به دو دلیل اصلی خیلی زود ملغاشد: یکی مخالفت مردم و شخصیت‌ها به رهبری حاج ملاعلی کنی و آیت‌الله سید صالح عرب؛ دیگر، مخالفت‌های روسیه (ذوقی، ۱۳۷۰، ص ۴۴) که سرانجام منجر به امضای قراردادی شد و به موجب آن قرارداد، روسیه متعهد گردید به خاک افغانستان تجاوز نکند و انگلیس نیز - که در هند دارای منافع حیاتی بود - متعهد گردید تا قرارداد رویتر را لغو نماید. (منصوری، ۱۳۸۱، صص ۵۳-۵۵)

هر چند امتیاز رویتر، قراردادی بین ایران و یک شخص انگلیسی بود، اما مسلماً پروژه‌های بزرگی چون احداث راه‌آهن سراسری و کارخانه‌های صنعتی و نیز راهسازی‌های سراسری بدون کمک‌های دولت انگلیس امکان‌پذیر نبود.

پس از لغو این قرارداد، رویتر به دولت انگلیس شکایت بُرد و پیگیری آن دولت، باعث شد تا به کمک امین‌السلطان مجدداً قراردادی با ایران منعقد نماید. (فاتح، ۱۳۸۴، ص ۲۴۸)

این امتیاز، به تأسیس بانک شاهی در ایران انجامید (ساکما: ۲۰۹، ۲۰۳، ۲۴۰) که در دهه‌های آغازین این قرن در ایران نقشی مؤثر ایفا کرد.^۲ هر چند به موجب این امتیاز می‌توانست از منابع نفتی کشور هم بهره‌برداری نماید (ذوقی، ۱۳۳۱، ص ۱۵) اما فعالیت مربوط به اکتشاف و بهره‌برداری نفت به جایی نرسید و در نتیجه، رویتر از این بخش قرارداد صرف نظر کرد.

۱. لرد کرزن، مدتی نایب‌السلطنه هندوستان و بعدها وزیر امور خارجه انگلستان شد. برای کسب اطلاع بیشتر، بنگرید به: فاتح، ۱۳۸۴، پاورقی، تهران: نشر علم، ص ۲۴۵.

۲. امتیاز بانک شاهی، حقوق‌زیدی برای رویتر منظور کرده بود. برای کسب اطلاع بیشتر، بنگرید به: تیموری، ۱۳۶۲، صص ۱۹۱-۱۹۹.



۲. امتیازدالکی

هوتز^۱ - که در بوشهر به واردات و صادرات کالا مشغول بود - در سال ۱۸۸۴ م. امتیاز استخراج نفت را در، حوزه دالکی و جزیره قشم از ناصرالدین شاه گرفت و برای استخراج نفت، دست به حفر چاه زد. (ذوقی، ۱۳۷۰، ص ۳۶) چند چاه را هم در حوزه امتیازی تا عمق ۲۷۰ متر زد و چون به نفت نرسید، از ادامه کار منصرف شد (منصوری، ۱۳۸۱، ص ۵۶) و شرکت مذکور، امتیاز خود را به شرکت معادن ایران^۲ و اگذار کرد. آن شرکت هم، سه سال در قشم به کاوش پرداخت و نتیجه‌ای نگرفت و در این راه ناکام ماند. (لسانی، ۱۳۵۷، ص ۲) سرانجام، دولت ایران امتیاز هوتز را در سال ۱۸۹۹ م. لغو کرد و شرکت نیز، رسماً در سال ۱۹۰۱ م. منحل شد. (نصری، ۱۳۸۰، ص ۷۸؛ ذوقی، ۱۳۷۰، ص ۳۷)

1. Hotz

2. The Persian Mining Corporation

۳. در سال ۱۸۹۱ م. والی کرمانشاه، به باستان‌شناسی فرانسوی به نام مورگان پیشنهاد کرد تا در مناطق تحت حکومتش به اکتشاف منابع نفت بپردازد. در نتیجه کاوش‌های مورگان و گروه باستان‌شناسی که با او کار می‌کردند، معلوم شد در منطقه قصر شیرین، ذخایر نفتی درخور ملاحظه‌ای وجود دارد. این کشف را، مجله علمی پاریس منتشر کرد و در نتیجه آن، ویلیام ناکس دارسی، تصمیم گرفت در زمینه کشف و استخراج نفت در ایران سرمایه‌گذاری و فعالیت کند. این امتیاز، با تلاش یکی از اتباع ایرانی به نام کتابچی خان، رئیس گمرک ایران و سرهبری دروموند لوف (وزیر مختار انگلیس در ایران)، به دارسی داده شد. از آن جا که کتابچی خان به منابع نفتی ایران آگاهی داشت، از انگلیسی‌ها درخواست کرد تا ضمن معرفی سرمایه‌داران خود، آن‌ها را برای حضور در ایران و سرمایه‌گذاری در اکتشاف منابع نفتی تشویق نمایند. ویلیام - که ثروت زیادی داشت - تصمیم گرفت آن را در کاوش‌های نفتی به کار اندازد. بنگرید به: غلامرضا افخمی، مروری بر سابقه قراردادهای نفت در ایران

from: <http://www.fis-iran.org/fa/resources/development-series/oil/review>

4. Burds

5. Dalton

۳. امتیاز دارسی

امتیاز مهم دیگر در موضوع نفت ایران، مربوط به ویلیام ناکس دارسی انگلیسی است. در آغاز قرن بیستم، «آنتوان کتابچی»، بانی و مسبب قراردادی شد که پیامدهای آن، هم در عرصه بین‌الملل و هم در امور داخلی ایران، تغییرات اقتصادی و حقوقی شگرف و بنیادینی به وجود آورد. وی - که بوی نفت به مشامش خورده بود - در این باره با نماینده یک سرمایه‌دار خطرپذیر انگلیسی به نام دارسی مذاکره کرد. (فاتح، ۱۳۸۴، صص ۲۵۰-۲۵۱) کتابچی با استناد به مطالعات یک زمین‌شناس فرانسوی^۳، وجود منابع سرشار نفت را در ایران به نماینده دارسی وعده داد. آن‌گاه دارسی برای اطمینان بیش‌تر، دو نفر از زمین‌شناسان آگاه را به نام‌های برلز^۴ و دالتن^۵، به منظور بررسی‌های کامل‌تر، رهسپار ایران کرد؛ در تلاش‌ها و کاوش‌های آنان، مشخص گردید که منابع نفتی در کرمانشاه و بویژه قصر شیرین، شوشتر و برخی نقاط دیگر وجود دارد. (ذوقی، ۱۳۷۰، ص ۵۲) نهایتاً کتابچی، با تلاش فراوان موفق شد نظر دارسی را جلب نماید. (رایت، ۱۳۶۴، ص ۲۱۹) در همین راستا، دارسی نمایندگان همراه با کتابچی راهی ایران کرد تا برای دستیابی به این منابع سرشار، امتیازنامه‌ای از مظفرالدین شاه قاجار دریافت نماید. (ذوقی، ۱۳۷۰، ص ۵۳)

به این ترتیب، باکوشش‌های دو نفر از نمایندگان دارسی و همکاری میرزاعلی اصغرخان امین‌السلطان (اتابک اعظم)، در سال ۱۹۰۱ م. / ۱۳۱۹ ق. / ۱۲۸۰ ش. با توشیح مظفرالدین شاه، حق انحصاری اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری، حمل و نقل، فروش نفت و فرآورده‌های آن و تمام عملیات مربوط به منابع نفت ایران را، به مدت ۶۰ سال به دست آورد. (فرهمند، ۱۳۸۵، ص ۱۶۴) مخالف‌خوانی روس‌ها نیز، مانع از عقد چنین قراردادی میان دارسی و مظفرالدین شاه نشد. آن‌ها تنها توانستند پنج ایالت شمالی را از محدوده امتیاز خارج کنند و در سیطره



نفوذ خود قرارداد دهند. (سیمبر، ۱۳۸۷، صص ۱۸-۱۹) در قبال آن، ایران ۲۰ هزار لیتره به صورت نقد و ۲۰ هزار لیتره به صورت سهام دریافت کرد. طبق قرارداد، باید ۱۶ درصد از منافع خالص سالانه تمام شرکت‌هایی که به موجب این امتیاز تشکیل می شدند، به ایران تعلق می گرفت. (نصری، ۱۳۸۰، ص ۸۱)

به این ترتیب امتیاز نفت ایران بجز ایالت‌های خراسان، مازندران، آذربایجان و استرآباد، از نهم صفر سال ۱۳۱۹ ق. به داریسی واگذار گردید. (ذوقی، ۱۳۷۰، ص ۵۴) هنگامی که خاطر داریسی از انعقاد قرارداد و تأیید مظفرالدین شاه آسوده شد، برای گسترش عملیات تحقیق، کاوش و اکتشاف منابع نفت در ایران، تعدادی از حفاران و مهندسان کانادایی، لهستانی و آمریکایی را، از راه بصره و بغداد به چاه سرخ در حوالی قصر شیرین - که آن زمان متعلق به ایران بود - اعزام کرد. این گروه، موفق شدند اولین چاه نفت را در ژرفای ۵۰۷ متری و دومین چاه را نیز در عمق بسیار زیاد ایجاد کنند که البته نفت چندانی نداشت و بناچار، تصمیم گرفتند در جنوب به کار اکتشاف پردازند. (ذوقی، ۱۳۷۰، ص ۵۸) مدتی پس از کشف نفت و حفر اولین چاه نفتی در منطقه نفتون مسجد سلیمان به وسیله شرکت داریسی، ایران به عرصه رقابت‌های بین‌المللی بر سر انرژی وارد شد.

این امتیاز را، در اوایل کار طرفین قرارداد چندان جدی نگرفتند و حتا پس از چند سال - که از اقدامات بی‌نتیجه اکتشافی آن می‌گذشت - امتیازداران در صدد برآمدند تا از ادامه کار صرف‌نظر کنند. (منصوری، ۱۳۸۱، صص ۵۷-۶۰) هیئت حفاری داریسی، پس از شش سال حفاری، نومیدانه قصد مراجعت به کشور خود را داشت؛ ولی بر اثر مساعدت و جسارت برخی از مدیران و مهندسان داریسی، پس از تلاش‌های گسترده، سرانجام در سال ۱۹۰۸ م. / ۱۲۸۷ ش.، در آخرین لحظاتی که حفاری رو به اتمام بود، اولین چاه نفت ایران در مسجد سلیمان با فشار زیاد فوران کرد (ذوقی، ۱۳۷۰، ص ۵۹) و این، آغاز تحولی جدید در عرصه سیاسی - اقتصادی ایران و جهان شد. پس از آن، صاحبان امتیاز با قاطعیت بیش‌تری عملیات اکتشافی خود را ادامه دادند و با کشفیات جدید نفت، سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌تری در این‌باره ضرورت یافت. (شاهدی، ۱۳۸۴، ص ۱۲)

نفت ایران، هنگامی اهمیت بیش‌تری پیدا کرد که دولت انگلستان، در پی محاسبات کارشناسان اقتصادی - سیاسی آن کشور، در صدد برآمد تا به طور مستقیم‌تر در این طرح عظیم مشارکت نماید و آن، تصمیم دولت انگلستان به خرید سهام داریسی بود. سردمداران امر، مصلحت در آن دیدند تا به هر قیمتی، مانع از آن شوند که امتیاز داریسی به دست خارجیان بیفتد و کوشیدند سرمایه کافی برای داریسی تهیه کنند تا او عملیات را ادامه دهد و این‌ها به تدریج عقیده عمومی را برای دخالت مستقیم دولت انگلستان در امر نفت فراهم

سازند. (عیسوی، ۱۳۸۸، ص ۳۲) بدین ترتیب، در سال ۱۹۰۹م. شرکت "سندیکای امتیازات" به شرکت نفت انگلیس و ایران تغییر نام یافت^۲ و دست داری از نفت کوتاه شد. (مطیع، ۱۳۸۳، ص ۱۷؛ نصر، ۱۳۶۳، ص ۳۷۳) در طول سال‌های جنگ جهانی اول، ۳۰ حلقه چاه در این منطقه زده شد. پس از جنگ اول جهانی بود که انگلستان در صدد برآمد تا نفوذ خود را در حوزه‌های نفتی ایران بیش از پیش پابرجا سازد و از ورود هر کشور یا شرکت نفتی دیگر به این مناطق جلوگیری به عمل آورد. (شاهدی، ۱۳۸۴، ص ۱۲) پس از آن، دولت انگلستان خود، مالک بلامنزاع منابع عظیم نفتی ایران در بخش‌های جنوب و جنوب شرقی ایران شد. شرکت نفت ایران و انگلیس، در تداوم فعالیت‌های خود، قراردادی هم با شیخ خزعل منعقد ساخت. (ساکما: ۲۴۰۰۲۳۳۶۴) در این میان، نباید از اهمیت فوق‌العاده نفت ایران برای انگلستان غافل بود.

دیری نگذشت که دولت انگلیس، تصمیم گرفت از نفت برای سوخت کشتی‌هایی بهره بگیرد که زغال سنگ مصرف می‌کردند. وقتی چرچیل در این زمینه مسئولیتی پیدا کرد، برای اجرای این تصمیم، تلاش فراوانی انجام داد و مراحل قانونی آن را پیگیری کرد و به تأیید مجلس و پادشاه بریتانیا رساند. (فاتح، ۱۳۸۴، صص ۲۶۶-۲۶۷) این حرکت، چند روز با آغاز جنگ جهانی اول فاصله داشت و از همان زمان، اختلاف میان ایران و شرکت نفت جدی شد. با ورود متفقین به کشور و قرار گرفتن ایران در عرصه تاخت و تاز سربازان اروپائی، برخی از لوله‌ها و خطوط نفتی قطع شد و شرکت نفت، دولت ایران را عامل خرابی‌ها قلمداد کرد. (ساکما: ۲۴۰۰۱۴۴۲۸)

نفت ایران، نقش قاطعی در تأمین انرژی و سوخت ناوگان دریائی انگلستان، در سراسر جنگ اول جهانی داشت؛ به‌ویژه پس از جنگ اول جهانی بود که انگلستان در صدد برآمد تا نفوذ خود را در حوزه‌های نفتی ایران، بیش از پیش پابرجا سازد و از ورود هر کشور و یا شرکت نفتی دیگر به این مناطق جلوگیری نماید. در این هنگام شرکت نفت ایران و انگلستان، منشأ حوادث تلخ در ایران شد. با توجه به ثروت عظیمی که از کشف و صدور نفت ایران عاید انگلیس می‌شد، خیلی زود بر محافل داخلی کشور آشکار شد که قرارداد، حقوق ملت ایران را تأمین نخواهد کرد. بنابراین، زمزمه‌هایی پا گرفت تا در مفاد این قرارداد بازنگری‌هایی صورت بگیرد. (شاهدی، ۱۳۸۴، ص ۱۲) اما این مخالفت‌ها، تلاش‌ها و پیگیری‌های برخی از رجال، با توجه به سلطه و اقتدار انگلستان بر دولت ایران، مجال چندانی برای استقرار حاکمیت ملی بر منابع نفتی فراهم نساخت و کفه ترازو، همچنان به سود دولت انگلستان سنگینی کرد.

1. Concession Syndicate

۲. در سال ۱۹۰۹ شرکت نفت انگلیس و ایران

[Anglo Persian Oil Company]

تأسیس شد و شرکت بهره‌برداری اولیه

[First Exploitation Company]

رانیز دربرگرفت. این شرکت، موفق شد

در سال ۱۹۱۲ اولین محموله‌های نفت را

از ایران به شکل خام صادر کند. بنگرید

به: فاتح، ۱۳۸۴، صص ۲۵۵-۲۶۲.



۴. امتیاز معادن قراچه‌داغ

در دوران سلطنت مظفرالدین شاه و صدارت میرزا علی اصغر خان امین السلطان، دو تن سرمایه‌دار روسی، امتیاز استخراج معادن قراچه‌داغ آذربایجان را دریافت کردند. از آن‌جا که در آن قرارداد معادن نفت استثنا نشده بود، روس‌ها مدعی بهره‌برداری از نفت نیز بودند. این قرارداد، پس از انعقاد معاهده سال ۱۹۲۱ م. ایران و روس ملغاً شد. (لعل شاطری، ۱۳۸۸، ص ۱۰)

۵. امتیاز خوشتاریا^۱

ناصرالدین شاه قاجار، امتیاز استخراج و بهره‌برداری از معادن نفتی محال ثلاثه (تنکابن، کجور و کلارستاق) را به شخصی به نام محمدولی خان خلعتبری داد. وی نیز، مدتی بعد (در سال ۱۲۹۴ ش.) امتیاز خود را به مدت ۹۹ سال به یک نفر گرجی تبار شهروند روس به نام خوشتاریا (از مأموران بانک استقراضی روس در ایران) واگذار کرد (نصری، ۱۳۸۰، ص ۸۲). امتیاز خوشتاریا، با آغاز انقلاب روسیه و تغییر مشی سیاسی آن دولت و نیز از آن‌رو که به تصویب مجلس نرسیده بود، لغو گردید و خوشتاریا، برای ادامه همکاری با شرکت هلندی رویال داچ شل مذاکره کرد که آن کار هم نتیجه‌ای نداشت. شرکت نفت ایران و انگلیس، در سال ۱۹۲۰ م. کلیه حقوق خوشتاریا را با پرداخت یکصد هزار لیره، به خود اختصاص داد و شرکتی به نام شرکت نفت شمال ایران تشکیل داد. (فاتح، ۱۳۸۴، صص ۳۳۰-۳۳۱)

در این اوضاع چنگ‌اندازی و امتیاز‌گیری، آمریکا نیز به منابع نفتی ایران چشم دوخته بود و به نوعی در صدد رخنه کردن در حوزه‌های نفتی، در بخش‌های مختلف کشور برآمده بود و فعالیت‌های گسترده نفتی انگلستان را در جنوب ایران دستاویز ورود خود قرار می‌داد. آمریکایی‌ها مدعی بودند که چون نفت جنوب ایران در اختیار انگلیسی‌ها می‌باشد، در شمال هم باید امتیازی به آمریکایی‌ها داده شود. (موحد، ۱۳۵۷، ص ۵۷) این کشور با بریتانیایی‌ها به رقابت پرداخت و با اعلام ایده دروازه‌های باز و مخالفت با هر گونه انحصار و محدودیت، به سوی ایران آمد و در جلب نظر دولت ایران پیروز شد (لعل شاطری، ۱۳۸۸، ص ۱۰) و سرانجام در آبان ۱۳۰۰ مجلس شورای ملی قرارداد جدیدی با استاندار نیوجرسی تصویب کرد که به موجب آن، امتیاز نفت پنج ولایت شمالی کشور به مدت پنجاه سال، به آن شرکت آمریکایی واگذار گردید. (موحد، ۱۳۵۷، ص ۵۸) این مصوبه، مورد اعتراض روس و انگلستان قرار گرفت. روسیه، این تصویب‌نامه را ناقض قرارداد ۱۹۲۱ م. می‌دانست که براساس آن، دولت ایران حق واگذاری امتیازهای ملغاً شده را به کشور ثالث نداشته است. در مقابل، مقام‌های ایرانی مدعی بودند که امتیاز خوشتاریا، مشمول قرارداد ۱۹۲۱ م. نیست و از آن‌جا که به تصویب مجلس نرسیده، فاقد اعتبار می‌باشد. در چنین شرایطی، شرکت آمریکایی جدیدی به نام شرکت نفت

1. Khoshtaria .

سینکلر^۱، شرایط پیشنهادی مجلس ایران را پذیرفت. (نصری، ۱۳۸۰، ص ۸۵)

۶. امتیاز شرکت نفت سینکلر

توافق مجلس ایران و سینکلر (نماینده آمریکا) در خرداد ۱۳۰۲، واکنش روس‌ها و انگلیسی‌ها را در برداشت. سیاست بریتانیایی‌ها، باعث شد تا بتوانند با آمریکا توافق‌هایی داشته باشند. مجلس شورای ملی ایران نیز، برای خارج کردن قرارداد از انحصار این شرکت آمریکایی پاره‌ای از مواد قرارداد را تغییر داد و آن را با اصلاحیه جدید به تصویب رساند. (فاتح، ۱۳۸۴، ص ۳۳۸) در این ماده، بعد از شرکت استاندارد اوئیل، عبارت «یا شرکت‌های دیگر آمریکایی که معتبر و مورد توافق هستند»، اضافه شد. این تغییر، شرکت‌های دیگر آمریکایی را به صحنه کشاند که یکی از آن‌ها، شرکت نفتی سینکلر بود. (یکتا، ۱۳۸۲، ص ۱۱) به دنبال این رویداد، از طرف آن شرکت، نماینده‌ای به تهران آمد و قراردادی منعقد شد که طبق آن، امتیاز نفت خراسان، آذربایجان و گرگان، در سال ۱۳۴۲ ق. به شرکت مذکور واگذار گردید. اما عواملی از جمله جوسازی استاندارد اوئیل در آمریکا، مخالفت برخی مقام‌های ایرانی با ادامه فعالیت سینکلر (ذوقی، ۱۳۷۰، ص ۹۷)، ماجرای قتل رابرت ایمبری^۲ (کنسول آمریکا در تهران) و قیام سعادت به رهبری شیخ خزعل، فرصت عملی کردن تعهدات این شرکت را به متولیان امر نداد. (جلالی، ۱۳۸۷، ص ۹)

۷. امتیاز نفت کویر خوریان

ناصرالدین شاه قاجار، در سال ۱۲۹۷ ق. طی چهارفرمان، امتیاز بهره‌برداری از معادن مس، سرب، زغال سنگ و نفت کویر خوریان (منطقه‌ای در سمنان) را به دو نفر از بازرگانان به نام‌های حاجی علی اصغر و حاجی علی اکبر امین معادن اعطا کرد. این اشخاص، قبل از انجام هرگونه اقدام مؤثری، دارفانی را وداع گفتند. پس از آن، روس‌ها با برنامه‌ریزی خود، زمینه را برای واگذاری این امتیاز به قهرمان خان سردار اعظم، نوه دختری ناصرالدین شاه فراهم کردند. (فاتح، ۱۳۸۴، ص ۳۴۴) قهرمان خان، این امتیاز را به مدت هفتادسال و در قبال مبلغ سالانه دوهزار و پانصد تومان نقد، از ورثه حاجی علی اکبر خریداری کرد و متعهد شد که در مدت پنج سال، سالانه چهارهزار و پانصد تومان و از سال پنجم به بعد، سالی پنج هزار تومان، مال الاجاره به ورثه حاجی علی اکبر پرداخت کند. وقوع جنگ جهانی اول، قرارداد را با مشکل مواجه ساخت و ورثه حاجی علی اکبر، آن را با سردار اعظم فسخ کردند و قرارداد دیگری با حاجی محمدصادق معروف به بانکی منعقد کردند. او، امتیاز را به مرتضی خان فتوحی قیام (ملقب به یمین الملک)، به مدت هفتاد سال اجاره داد و پس

1. Sinclair Consolidated Oil Co.

2. Robert Imbrie.



از آن، عده‌ای فرمان‌های مزبور را سرقت کردند و آن امتیاز را به خوش‌تاریا واگذار ساختند. (لطیفی نیا، ۱۳۷۶، ص ۳۶۵) این شخص نیز، شرکتی به نام شرکت نفت خوریان تأسیس کرد که نتیجه‌ای دربر نداشت. (فاتح، ۱۳۸۴، ص ۳۴۵) در سال ۱۲۹۵ ش. دولت از قرارداد بین ورثه امین معادن و سردار اعظم اطلاع یافت و تصویب‌نامه‌ای در همان سال صادر کرد که هرگاه صاحب امتیاز معدنی، ۶ ماه بدون فوق‌العاده در معدنی کار نکند، امتیاز او از درجه اعتبار ساقط است. (نصیری، ۱۳۸۹، ص ۱۸) این امتیاز، با انقراض حکومت قاجار و برکناری احمدشاه از سلطنت و آغاز حکومت پهلوی، به فراموشی سپرده شد. (لعل شاطری، ۱۳۸۸، ص ۱۰)

نتیجه

وجود ذخایر نفت و شیوه‌های قدرت‌های خارجی در دست‌اندازی بر امتیازهای متنوع، ایران را در طی یک قرن عرصه رقابت قدرت‌های بزرگ کرد و بسیاری از توانمندی‌ها و منابع جانبی و تلاش دولتمردان نیز، در سایه انعقاد قراردادهای، کشف، استخراج و صدور آن هزینه شد. به دست آوردن امتیازهای متعدد اقتصادی، سیاسی و نظامی، قدرت‌های خارجی را برمی‌انگیخت تا با توجیه هر اقدامی، به این هدف‌ها دست یابند. براین اساس، با کشف نفت، کشور به جولانگاهی برای کشمکش‌ها و رقابت خارجی‌ها تبدیل گردید و هرازگاهی حاکمان وقت و مردم، با این معضل دست و پنجه نرم می‌کردند. ناآگاهی دولت‌های وقت، آشفتگی وضع اقتصادی و حاکمیتی کشور و وجود فساد مالی در نهادهای دولتی در عصر قاجار، باعث گرایش کشورهای خارجی به سوی معادن نفتی ایران می‌شد. اعطای این گونه امتیازها، چیزی جز وابستگی به دنبال نداشت. با کشف نفت در جنوب، کشور ایران در طول بیش از نیم قرن به ابزاری برای سلطه دولت انگلیس تبدیل گردید. به همین دلیل، بلافاصله پس از فوران چاه نفت در مسجد سلیمان، دولت انگلیس یکه‌تاز میدان شد و با تأسیس شرکت نفت ایران و انگلیس، بر بهترین حوزه‌های نفت خیز کشور خیمه زد.

مروری بر امتیازهای موجود در قراردادهای نفتی کشور در عصر قاجار، نشان می‌دهد که بخش اعظمی از گرفتاری‌ها و چالش‌ها به سبب واگذاری امتیازهای گوناگون بوده است. تمامی قراردادهای مصوب شاهان قاجار را، می‌توان اقدام جاهلانه‌ای بر شمرده که جز غارت شدن منابع و وابستگی، سودی برای کشور در بر نداشت.

کوشش انگلیس برای جداسازی خوزستان از ایران، برتری نیروی دریائی انگلیس در جنگ جهانی اول با استفاده از نفت ایران، تسلط و تملک خارجی‌ها بر منابع نفتی و جو سرکوب و خفقان در کشور، از جمله نتایج واگذاری این امتیازها بوده است. مقام‌های قاجار از یک‌سو از درک مفاد امتیازی که واگذار می‌کردند، بی‌اطلاع بودند

و از طرف دیگر، موارد بسیار پیچیده و ظریف حقوقی ای که در قراردادهای نفتی به‌ویژه قرارداد شرکت نفت ایران و انگلیس گنجانده شده بود و تعاریفی که از شرکت‌های وابسته و روش‌های محاسبه سود خالص داشتند و نیز با احتساب هزینه‌های حمل و نقل، چیزی عاید دولت ایران نمی‌گردید. در این راستا، افکار عمومی داخل و خارج، به دلایل یادشده، در صدد کاستن از شدت تسلط و تملک انگلستان بر منابع نفتی ایران برآمد و در اواخر عصر قاجار، زمزمه‌هایی به وجود آمد تا در مفاد این قرارداد بازنگری‌هایی صورت بگیرد.

نتیجه دیگری که از این امتیازها می‌توان گرفت، به کشورها و شرکت‌های نفتی دیگر مربوط می‌شد که با توجه به نتایج اکتشافی دولت انگلیس در حوزه‌های نفتی ایران، در صدد برآمدند تا سهمی از این غنایم به دست آورند. شرکت‌های نفتی آمریکائی، از این دست به شمار می‌آمدند که به‌ویژه از اواخر عصر قاجار در ایران فعالیت‌های خود را در این زمینه آغاز کرده بودند. اما تلاش دولت روسیه در این باره اهمیت بیش‌تری پیدا کرده بود. این کشور - که در سراسر مرزهای شمالی با ایران مرز مشترک داشت - در یک روند رقابت‌آمیز با دولت انگلیس، خواهان نفوذ در حوزه‌های نفتی ایران بود. هرچند هدف اصلی دولت روسیه، به دست آوردن امتیاز بهره‌برداری از نفت شمال ایران بود، اما از طرف دیگر نفوذ و تسلط بلامنزاع دولت انگلستان را در حوزه‌های مهم نفتی ایران در جنوب کشور نیز، بر نمی‌تابید و پیوسته در صدد بود تا از دامنه اقتدار این کشور بر آن مناطق بکاهد. بنابراین، در پی چنین واکنش‌هایی بود که مقامات ایرانی در اواخر عصر قاجار برای پاسخ به اذهان عمومی و سایر دولت‌های رقیب، در صدد برآمدند تا از روش‌های گوناگون، شرایط حقوقی و سیاسی حاکم بر قرارداد را تغییر دهند و یا بی‌اعتبار بشمارند و آن را ملغاً اعلام نمایند. ولی کوشش‌های دولتمردان با توجه به وجود ابزارهای سلطه دولت انگلستان در لایه‌های مختلف تشکیلات کشور و به سبب دخالت مهره‌های خارجی و فقدان همکاری قاطع دولت مرکزی با این روند، تقریباً همه جا با شکست روبه‌رو شد و به دنبال آن، نفوذ و اقتدار مقام‌های انگلستان و شرکت نفت ایران و انگلیس بر کشور همچنان سایه افکند.

کتابنامه

آریان‌کیا، رضا (۱۳۸۸). شرط داوری در سیر تحولات حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز. *مجله حقوقی، بین‌المللی ریاست جمهوری*، ۴۱.

اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

ایرانپور، فرهاد (۱۳۸۷). انواع قراردادهای نفتی «تحول قراردادهای نفتی از قراردادهای معاوضی به سوی قراردادهای مشارکتی». *فصلنامه حقوقی*، ۳۸، (۲)، ۳۸-۲۵.



- انصاری، ولی‌الله (۱۳۸۷). *حقوق قراردادهای اداری*. تهران: نشر حقوقدان.
- تفرشی، مجید (۱۳۶۵). سابقه نفت در ایران، مروری بر قراردادهای نفتی و شرایط سیاسی امضای آن. *ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ۳۸، ۱-۴۲.
- تیموری، ابراهیم (۱۳۶۳). *عصر بی خبری یا تاریخ امتیازات در ایران*. تهران: اقبال.
- جلالی، مصطفی (۱۳۸۷). آبان ۵، یک امتیاز و سه مدعی. *مشعل*، ۱۶، دوره جدید.
- ذوقی، ایرج (۱۳۷۰). *مسائل سیاسی، اقتصادی نفت ایران*. تهران: پاژنگ.
- رایت، سردنيس (۱۳۶۴). *انگلیسی‌ها در میان ایرانیان* (اسکندر دلد، مترجم). تهران: به‌آفرین.
- رستم‌زاده گنجی، اسماعیل (۱۳۸۵). آبان ۱۶. معرفی قراردادهای بیع متقابل معایب و کاربرد آن در معاملات نفتی جمهوری اسلامی ایران. *روزنامه رسالت*، ۶۰۰۲.
- سعادت، فتح‌الله (۱۳۴۶). *جغرافیای اقتصادی نفت ایران*. تهران: چاپخانه پارس.
- سیمبر، فرشید (۱۳۸۷). خرداد. هشتاد سال امتیاز نفتی (داستان نفت شمال از داری تا جنگ جهانی دوم). *زمانه*، ۶۹، ۱۸-۲۵.
- شاهدی، مظفر (۱۳۸۴ اسفند ۲۰). نفت ایران از امتیاز داری تا قرارداد گس گلشائیان. *روزنامه اعتماد*، ۱۰۷۱.
- شهران، عباس (۱۳۷۵). نظام حقوقی حاکم بر قراردادهای نفتی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، شیراز.
- شیخ نوری، محمد امیر (۱۳۶۹). تابستان و پائیز. سیری در تاریخ نفت ایران، از قرارداد داری تا ملی شدن صنعت نفت. *ماهنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تیریز*، ۱۳۵ و ۱۳۶، ۶۴-۷۹.
- فاتح، مصطفی (۱۳۸۴). *پنجاه سال نفت ایران*. تهران: نشر علم.
- فرهمنده، علی (۱۳۸۵). ناگفته‌های امتیاز داری. *فصلنامه تاریخ روابط خارجی*، ۲۹، ۱۶۱-۱۹۶.
- فرهنگی، حسین (۱۳۴۷). داوری و سبب تحول آن در قراردادهای نفتی. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تهران، تهران.
- عیسوی، چارلز (۱۳۸۸ فروردین ۲۴). *روزنامه دنیای اقتصاد*، ۱۷۷۰.
- لسانی، ابوالفضل (۱۳۵۷). *طلای سیاه، یا بلای ایران*. تهران: امیرکبیر.
- لطیفی‌نیا، مهشید (۱۳۷۶). *اسناد معادن ایران*. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- لعل شاطری، مصطفی (۱۳۸۸ اسفند ۲۵ و شهریور ۲۴). سیری در قراردادهای نفتی دوره قاجار. *روزنامه قدس*، ۶۳۷۳ و ۶۳۲۷.
- مزیدی، محمدرضا (۱۳۷۳). بررسی اقتصادی قراردادهای نفتی قبل از انقلاب اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.
- مطیعی، همایون (۱۳۸۳). اسفند. سرگذشت قرارداد داری و به‌وجود آمدن شرکت نفت انگلیس و پرشیا. *ماهنامه اقتصاد انرژی*، ۶۹ و ۷۰، ۱۶-۲۳.
- مقامی اصل، محمد (۱۳۵۱). بررسی تحلیلی قراردادهای نفتی پس از ملی شدن نفت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ملی ایران، تهران.
- موحد، محمد علی (۱۳۵۷). *نفت ما و مسائل حقوقی آن*. تهران: خوارزمی.

منصوری، زهرا (۱۳۸۱). قراردادهای نفتی ایران با بیگانگان از ابتدا تا ملی شدن صنعت نفت. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات، محلات.

منصوری نراقی، محمود (۱۳۵۰). نفت (مبانی حقوقی و شرایط عمومی قراردادهای نفتی خاورمیانه) تهران: چاپخانه صبح امروز.

نصر، سید تقی (۱۳۶۳). ایران در برخورد با استعمارگران (از آغاز قاجار تا مشروطیت). تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.

نصری، قدیر (۱۳۸۰). نفت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

نصیری، رضا (۱۳۸۹). فروردین ۲۵. نگاهی به امتیاز نفت کویر خوریان روزنامه رسالت.

یکتا، حسین (۱۳۸۲). شهریور. اعطای انحصار امتیاز نفت شمال ایران و رقابت سه قدرت روسیه، انگلستان و آمریکا. ماهنامه زمانه، ۱۲، ۴۵-۵۲.